

شناخت آفریدگار

جهان

تدوین و تقدیم :

مؤسسه ی فرهنگی قرآن و سنت نبوی روانسر

فهرست مطالب
بخش اول
شناخت آفریدگار جهان

مقدمه ۳

فصل اول:

پیدایش هستی ۶

جهان هستی ازلی است ۶

جهان حادث است بدون علت ۱۰

انرژیهای ازلی پدیده آورنده ی جهانند ۱۲

طبیعت سازنده ی جهان هستی است ۱۳

خداوند آفریننده ی جهان هستی است ۱۵

فصل دوم :

شناخت آفریدگار جهان ۱۷

آیات خداوند در عالم موجودات غیر زنده ۲۰

آیات خداوند در اتم ۲۰

- آیات خداوند در هوا ۲۲
- آیات خداوند در آب ۲۴
- آیات خداوند در آسمان..... ۲۶

فصل سوم :

- آیات خداوند در عالم نباتات ۳۲
- آیات خداوند در عالم باکتریها..... ۳۶
- آیات خداوند در عالم حشرات ۳۷
- آیات خداوند در عالم پرندگان..... ۴۳
- آیات خداوند در عالم حیوانات..... ۴۹
- آیات خداوند در عالم انسانها..... ۵۲

فصل چهارم :

- دلیل فطرت..... ۵۸
- پاسخ به آخرین سؤال ۶۲
- موانع ایمان به آفرینندگی خداوند ۶۵
- واپسین سخن ۷۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَ
أَصْحَابِهِ وَآتْبَاعِهِ أَجْمَعِينَ....

بحث پیرامون وجود خداوند و منشأ هستی و آفریننده ی جهان و انسان در گذشته ، کمتر مورد توجه و اهتمام علماء و اندیشمندان اسلامی بوده است ، زیرا با توجه به فطری بودن ایمان به خداوند ، همگان بوجود خداوند ایمان و اعتقاد قلبی داشته اند و اگر عده ی قلیلی هم ملحد و زندیق بوده اند ، جرأت ابراز عقیده و ابراز وجود نداشته اند تا علماء را وادار به عکس العمل نمایند . اما با هجوم موج الحاد از غرب و در اثر فشار غیر منطقی کلیسا بر دانشمندان و اصابت ترکش هایی از الحاد غرب به شرق و ظهور آن در سرزمین روسیه و کینه ی شدید اصلاح طلبان نسبت به کلیسا و آیین مسیحیت آنها را بر انکار افراطی غیب و ماوراء الطبیعه و بطور کلی غیر ماده و از آن جمله وجود خداوند کشاند و این موضعگیری به سرعت در جهان انعکاس یافت و سخن محافل شد . عده ای هم از سرزمین های اسلامی کورکورانه به تقلید از این شیوه ی الحاد

پرداخته و با پشتیبانی استعمار و صهیونیست و ماسونیت جهانی از ضعف مقطعی علماء اسلامی بهره جسته و مصدر مدارس را در اختیار خود گرفته و به فساد و انحراف در فطرت و سمپاشی افکار و عقاید معنوی مردم پرداختند ... طولی نکشید که علماء اسلامی بخود آمده و با منطق و استدلال به مقابله با آنان پرداخته و سرانجام هجوم سیل آسای الحاد را مهار و متوقف ساختند .

هر چند ایمان به خداوند فطری بوده و نیازی به اقامه ی دلیل و برهان نمی باشد ، اما با توجه به تلاش دشمنان در ایجاد شک و شبهه در قلوب جوانان مؤمن ، ایجاب می نمود به منظور مقابله با مقاصد سوء دشمنان و مسلح نمودن جوانان مؤمن به سلاح مشابه ، و ریشه کن کردن بذر شک و تردید در قلوب دیگران ، و بجای آن نشانیدن نهال ایمان و اعتقاد بوجود خداوند متعال ، عزم بر گرد آوری و عرصه ی این رساله ی مختصر به جویندگان حق و راستی قرار گرفت به امید آنکه انشاء الله مفید واقع شود .

و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب .

مؤسسه ی فرهنگی قرآن و سنت نبوی روانسر

فصل اول :

- پیدایش هستی
- جهان هستی ازلی است
- جهان حادث است بدون علت
- انرژیهای ازلی پدیده آورنده ی جهانند
- طبیعت سازنده ی جهان هستی است
- خداوند آفریننده ی جهان هستی است

پیدایش هستی

این معما از جمله مسائلی است که قرن‌ها فکر و اندیشه‌ی اندیشمندان را بخود مشغول ساخته و نظرات و عقاید زیادی را نسبت به منشأ عالم هستی بوجود آورده است. از میان آراء و عقایدی که در طول تاریخ و زندگی انسان که برای حل معمای هستی ارائه شده‌اند، برگزیده‌ی آنها را که در واقع خلاصه‌ی همه‌ی دیدگاه‌هاست، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- جهان هستی ازلی^(۱) است و نیازمند به علت نیست.

یکی از نظرات ارائه شده از سوی برخی از اندیشمندان این است که می‌گوید: «جهان با همین صورت فعلی ازلی است و از قدیم این چنین بوده و هست و در آینده هم، چنین خواهد بود.»

^۱- ازلی: چیزی که همیشه وجود داشته و نمی‌توان برایش ابتدایی تصور کرد.

نقد و بررسی :

این نظریه یک فرضیه است^(۲) و هیچ دلیلی بر اثبات آن ارائه نشده است و با بدیهیات عقلی^(۲) و قوانین علمی در تضاد می باشد. از جمله :

الف : قانون انرژی خورشید : حرارت خورشید که ، در سطح آن ۶۰۰۰ درجه و در مرکز ۲۰۰۰۰ درجه است ، در اثر انفجار اتم ها حاصل می شود و در هر ثانیه هزاران تن از حجم خورشید به حرارت تبدیل می شود و روزی فرا خواهد رسید که ماده ی قابل مصرف به پایان خواهد رسید و اثری از انرژی حرارتی خورشید باقی نخواهد ماند . . . با توجه به این مهم ، اگر جهان ازلی می بود ، می بایست قرنها پیش ، خورشید نابود می شد و اثری از آن باقی نمی ماند ، ولیکن از آنجائیکه

۱- فرضیه یا تئوری ، نظریه ای است که فرد بر مبنای دیدگاه خود ارائه می دهد و از لحاظ علمی ثابت نشده است ، که در صورت اثبات علمی و یا ارائه ی دلیل قابل قبول به عنوان قانون مورد پذیرش واقع می شود .

۲- بدیهیات ، امور آشکار و روئی هستند که نیازی به ارائه دلیل و برهان ندارند مانند $۲+۲=۴$

خورشید (که خود جزیی از عالم هستی است) چون در گذشته از بین نرفته و همچنان در حال نور افشانی است ، دلیل بر اینست که خورشید ازلی نیست ، بلکه زمانی بوجود آمده و زمانی هم فرا خواهد رسید که از بین می رود .

ب - قانون حرکت الکترون : همچنان که می دانیم ماده از مولکول ومولکول از اتم و اتم هم از سه بخش الکترون ، پروتون ، و نوترون تشکیل شده است، پروتون و نوترون و دیگر ذرات ، هسته ی اتم را تشکیل می دهند و الکترون ها با سرعت ۲۰۰۰ کیلومتر درثانیه به دور هسته در گردش هستند .

دانشمندان معتقد ند که اگر یک ثانیه و بلکه یک هزارم ثانیه الکترون ها متوقف شوند هسته ی اتم ، تمام الکترون ها را بسوی خود کشیده و جذب می نماید و در آن هنگام اتفاق مهمی روی خواهد داد و آن اینکه در اثر از بین رفتن خلاء میان هسته و الکترون جهان به اندازه تخم مرغی خواهد شد . حال سؤال اینجاست با توجه به اینکه هر حرکتی نیاز به بدایت زمانی و مکانی دارد ، یعنی باید به زمان و مکانی قایل شویم که الکترون ها حرکت به دور هسته را شروع کرده اند. حال آیا

الکترون ها قبل از بوجود آمدن ماده حرکت را شروع کرده اند
یا بعد از بوجود آمدن ماده؟

اگر گفته شود که الکترون ها قبل از به وجود آمدن ماده حرکت را شروع کرده اند چون این حرکت در ظرف زمان بوده است پس زمان مقدم بر ماده است و ماده ازلی نمی باشد، اگر گفته شود الکترون ها بعد از بوجود آمدن ماده حرکت را شروع کرده اند یعنی ابتدا ماده (اتم) بوجود آمد و سپس الکترونها حرکت را شروع کرده اند . در این صورت می بایست جهان اکنون به اندازه تخم مرغی می بود ، و چون چنین نیست ، پس جهان هستی هم ازلی نیست بلکه حادث می باشد و کسی آن را به وجود آورده است .

ج - تعیین عمر برای چیزی نشاندهنده ی آن است که آن چیز در برهه ای از زمان نبوده و سپس بوجود آمده است . بنابراین تعیین عمر زمین و اجرام آسمانی از سوی زمین شناسان و کیهانشناسان بیانگر این حقیقت است که جهان ازلی نیست ، بلکه بوجود آمده است .

د : قانون فیزیکی انتروپی بیان می دارد که مداوم و مستمر انرژی قابل استفاده به انرژی غیر قابل استفاده تبدیل می شود ، اگر جهان ازلی می بود می بایست از مدت‌ها قبل انرژی قابل استفاده باقی نمی ماند و هیچ فعل و انفعال شیمیایی انجام نمی گرفت و حیات در روی کره ی زمین خاتمه می یافت . ولی چون فعل و انفعال شیمیایی انجام می گیرد و حیات روی زمین امکان پذیر است ، پس جهان ابتدا و آغازی دارد و ازلی نیست ...

۲- جهان حادث است بدون علت :

این نظریه بیان می دارد که جهان هستی بوجود آمده است ، اما بوجود آمدن آن تصادفی بوده و هیچگونه طرح و برنامه ی قبلی در کار ساختن و آفرینش جهان در کار نبوده است .

نقد و بررسی :

الف - این نظریه یک فرضیه می باشد و دلیلی بر اثبات آن ارائه نشده است .

ب- این فرضیه با بدیهیات اولیه ی عقلی در تضاد می باشد ، چون هیچ معلولی بدون علت نیست .

ج - = تصادف خروج از دایره ی نظم و ایجاد بی نظمی است ، در حالی که مبنای جهان هستی بر نظم استوار است و ایجاد بی نظمی در آن با نابودی جهان هستی همراه است . مثلاً :

- اگر نسبت اکسیژن موجود در هوا به جای ۲۱ درصد ۵۰ در صد می بود به محض تابش اولین اشعه ی خورشید همه ی مواد قابل احتراق شعله ور می شدند ، و جهان به تلی از خاکستر تبدیل می شد .

- اگر نیروی جاذبه ی مولکولی موجود در بین مواد نمی بود ، همه ی اتمها و ذرات مواد ازهم می پاشیدند و هیچ ماده ای بوجود نمی آمد .

- اگر پوسته ی زمین از وضع موجود ضخیم تر می بود ، با جذب کل دی اکسید کربن و اکسیژن ، حیات بر روی کره ی زمین را غیر ممکن می ساخت .

- اگر قطر زمین یک چهارم وضع موجود می بود ، هرگز نمی توانست پوشش هوا و آبهای پیرامونش را به دور خود نگه دارد.

- اگر آب همچون نمک بخار نمی شد و بخار از هوا سبک تر نمی بود ، هرگز باران نمی بارید و زندگی میسر نمی گردید .
- اگر امکان بوجود آمدن ، خود بخود و تصادفی یک کتاب دیوان شعر با رعایت کلیه ی اصول و ضوابط ادبی و نگارشی وجود داشته باشد ، و یا خانه ای مجلل با رعایت اصول مهندسی و معماری خودبخود بوجود آید ، امکان آن هست که این جهان هستی هم با وجود این همه نظم و دقت ، تصادفی بوجود آمده باشد !

۳- انرژیهای ازلی پدید آورنده ی جهان می باشند .

این نظریه بیان می دارد که انرژیهایی در ازل بوده اند و این انرژیها سبب شده اند که جهان هستی با این شکل خلق شود .

نقد و بررسی :

الف : این نظریه یک فرضیه است و دلیلی بر اثبات آن ارائه نشده است.

ب : ماده از انرژی ایجاد نمی شود ، بلکه بر عکس انرژی از ماده حاصل می شود و تا ماده نباشد انرژی بوجود نمی آید .مثلاً تا ماده ی سوختنی (نفت) نباشد انرژی حرارتی (گرما) بوجود نمی آید .

ج : با توجه به اینکه انرژی فاقد عقل و احساس و معرفت است ، چگونه توانسته است موجودی همچون انسان بیافریند که دارای عقل و احساس و معرفت است؟! (ندارند ی چیزی ، بخشنده ی آن نتواند بود) .

۴- طبیعت سازنده ی جهان هستی است .

مادیون هنگامی که با شگفتی های جهان آفرینش روبرو می شوند ، زبانشان از تفسیر حقایق باز می ماند و آن نظام

شگفت را به طبیعت نسبت می دهند و اذهان را با این کلمه
گمراه می کنند^(۳)

نقد و بررسی :

الف : منظور از طبیعت چیست ؟ آیا خود وجود دارد یا نه ؟
اگر وجود ندارد ، عدم و نیستی نمی تواند منشأ وجود و هستی
باشد . اگر هم (طبیعت) وجود دارد ماده است یا غیر ماده ؟
اگر غیر ماده است شما مادیون به غیر ماده اعتقاد ندارید ، اگر
هم اعتقاد دارید ، ما هم به آن قدرت غیر مادی اعتقاد داریم و
اسم آن قدرت غیرمادی نزد ما ” الله ” است . و اگر اعتقاد به
غیر ماده ندارید و منظور شما از طبیعت همین جهان ماده (

^۱ - شگفتی هایی مانند ، تشکیل دادگاه در عالم حیواناتی همچون میمون ،
کلاغ ، کبوتر، لک لک و... و گچ گرفتن پای شکسته از سوی مرغ ماهیخوار ،
و مجهز بودن خفاش نیمه بینا به دستگاه رادار و مجهز شدن ماهی برقی)
که به راحتی قابل صید و برای اکثر جانوران دریازی طعمه ای مطبوع و
گواراست) به نیرو الکتریسته و قدرت وارد کردن شوک الکتریکی به
دشمنان و صیادان خود و فراری دادن آنها به کمک این ابزار ، که بدون
وجود آن در مدت کمتر از یک هفته در دریا نسلش منقرض خواهد شد . و
سایر شگفتی های جهان طبیعت .

آب ، خاک ، هوا و...) است ، ثابت شد که ماده خود حادث است و بوجود آمده است .

ب : ماده ی فاقد عقل و علم ، نمی تواند موجود ، دارای علم و معرفت و احساس بیافریند .

ج: طبیعت سازنده ی هستی است ، یعنی طبیعت (جهان) خودش ، خودش را بوجود آورده است . یعنی طبیعت هم آفریننده است و هم آفریده شده . پوچ و نادرست بودن این سخن ، واضح و آشکار است و نیازی به اقامه ی دلیل ندارد .

۵- آفریننده ی جهان هستی خداوند است .

نظمی که سراسر عالم هستی را فرا گرفته ، حکایت از خالق مدبر و ناظم دانا و توانایی دارد که مافوق ماده و عالم مادی است که درک آن جز برای اهل بینش و خرد ممکن نیست . کسی که ، آفریننده ی جهان و جهانیان است .

به منظور شناخت خداوند متعال به عنوان آفریننده و مدبر جهان هستی به بحث و بررسی پیرامون این نظریه می پردازیم . تا شناخت و باور بدان بر قلب انسان آسان شود .

فصل دوم :

- شناخت آفریدگار جهان
- آیات و نشانه های خداوند در عالم موجودات غیر زنده
- آیات و نشانه های خداوند در اتم
- آیات و نشانه های خداوند در آب
- آیات و نشانه های خداوند در هوا
- آیات و نشانه های خداوند در آسمان

شناخت آفریدگار جهان

موجودات بسیاری در پیرامون ما وجود دارند ، گرچه یقین صد درصد به وجود آنها داریم ، اما هرگز آنها را بطور مستقیم با یکی از حواس پنجگانه (بینایی ، شنوایی ، چشایی ، بویایی و لامسه) احساس نکرده ایم از جمله آن امور :

۱- جریان الکتریسیته موجود در سیم ؛ که از طریق روشن شدن لامپ و به حرکت در آمدن پره های چرخ گوشت و پنکه و کولر و یا ایجاد حرارت در بخاری و سماور برقی و ... به وجود آن پی می بریم نه با دیدن مستقیم خودِ جریان الکتریسیته در سیم .

۲- نیروی حیات و جانِ موجود در جانداران : که از طریق فعالیتهای حیاتی همچون رشد و نمو و تولید مثل و ... به وجود آن پی می بریم و الاّ با کالبد شکافی بدن موجودات زنده هرگز به چیزی به نام جان دست نخواهیم یافت .

۳- رنگ نور خورشید و اشعه های نامرئی آن ؛ که نه با دیدن مستقیم آنها بلکه از طریق رنگین کمان و منشور و یا تاثیر اشعه های خورشید در عمل فتو سنتز و غذاسازی در گیاهان به وجود آنها پی می بریم .

۴- امواج صوتی و تصویری رادیو و تلویزیون ؛ که نه با برخورد آنها با بدن و یا دیدن مستقیم آنها با چشم ، بلکه از طریق دو دستگاه رادیو و تلویزیون به وجود آنها پی می بریم و عدم احساس مستقیم آنها هرگز به معنی عدم وجود آنها در پیرامون ما نیست .

۵- شکل و صدا و حرکت موجودات ذره بینی همچون میکروب، ویروس و باکتریها ؛ که از طریق دستگاه میکروسکوب و تاثیر آنها در انتقال بیماریهای سرایت کننده بوجود آنها پی می بریم نه با حواس پنجگانه وبطورمستقیم.

۶- معادن و ذخایر موجود (مس ، آهن ، نفت ، گاز و...) در کنار ما و در زیر زمین ، و عدم توانایی حواس ما بر درک و تمیز و تشخیص آنها ، بطور مستقیم، به معنی عدم وجود آنها نیست. همچنانکه عدم مشاهده و احساس مستقیم این موجودات در پیرامون خود ، دلیل بر این نیست که آنها وجود ندارند ، بنابراین دیده نشدن خداوند متعال و احساس نکردن او با یکی از حواس پنجگانه بطور مستقیم ، دلیل بر این نیست که خداوند وجود ندارد، بلکه دلیل بر ضعف و ناتوانی ما و حواس ما است : لذا باید خداوند را هم مانند اینگونه امور، از طریق آیات ، آثار و نشانه هایش شناخت و به او ایمان داشت ، نه از طریق مشاهده و احساس مستقیم به کمک حواس پنجگانه .

آیات و نشانه های خداوند درعالم موجودات غیر زنده

۱- آیات و نشانه های خداوند در اتم :

کوچکترین بخش هرمولکول که با چشم قابل رؤیت نیست ، اتم می باشد و اتم از سه بخش الکترون با بار منفی ، پروتون با بار مثبت و نوترون (خنثی) تشکیل شده است . پروتون و نوترون در قسمت هسته ی اتم و الکترونها بخاطر اینکه جذب هسته (پروتونها) نشوند (چون دو قطب مثبت و منفی همدیگر را جذب می کنند) با سرعت ۲۰۰۰ کیلومتر در ثانیه به دور هسته در گردش می باشند .

۱- اگر الکترونها یک هزارم ثانیه متوقف شوند و یا سرعت آنها کم شود جذب هسته شده و فضای خالی میان هسته والکترون از بین خواهد رفت و جهان به اندازه تخم مرغی خواهد شد .

۲- اگر سرعت الکترونها افزایش یابد ، الکترونها از مدار خود خارج خواهند شد و جهان متلاشی می شود .

۳- اگر نیروی هسته ای که انسجام هسته ی اتم را کنترل می کند یک در صد افزایش یابد پروتونها و نوترونهای موجود در هسته باهم ترکیب شده و در آن صورت با اتم های دیگر ترکیب نمی شوند و هیچ عنصر و واکنش شیمیایی شکل نخواهد گرفت . مثلاً اتم ئیدروژن و اکسیژن باهم ترکیب نخواهند شد و هرگز آب که مایه حیات است بوجود نخواهد آمد.

۴- اگر اتم از حالت تعادل موجود خارج شود همچون بمب اتمی منفجر می شود و در آن صورت همه ی جهان متلاشی خواهد شد.

راستی چه کسی اتم را در حالت تعادل آفریده است که ایجاد کمترین بی نظمی در آن مساوی با دنیا آخر خواهد بود؟! و یا اگر در ابتدای آفرینش این چنین نظم دقیقی صورت نمی گرفت هرگز جهان وجود نمی یافت .

۲- آیات و نشانه های خداوند در هوا :

هوا از ترکیب عناصری همچون اکسیژن ، نیتروژن ، نیتروژن ، گاز کربنیک و ... تشکیل شده است که درصد هریک به مقدار معین و مشخص می باشد ، آیا می دانید :

۱- اگر درصد اکسیژن (که در وضعیت موجود ۲۱ درصد می باشد) دو برابر شود (چون اکسیژن ماده ای است که به عمل سوختن کمک می نماید) با یک جرعه همه مواد قابل احتراق مشتعل شده و همه جا را آتش فرا خواهد گرفت .

۲- اگر درصد اکسیژن کاهش یابد موجودات زنده دچار خفگی خواهند شد .

۳- اگر نباتات (که اکسیژن تولید می کنند) وجود نداشته یا از بین بروند انسانها و حیوانات هم از بین خواهند رفت .

۴- هوا (اکسیژن و دی اکسید کربن) در اثر تبادل گازی میان نباتات ، و حیوانات و انسانها بوجود می آید . اگر حیات فقط نباتی و یا حیوانی می بود ، حیات در روی زمین ادامه نمی داشت.

۵- جو (هوای اطراف زمین) حدود ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلومتر است که سبب عبور اشعه های مفید (که عامل فتوسنتز و غذاسازی در گیاهان است) و انعکاس اشعه های مضر (که موجب سرطانهای پوستی و شیوع آفات گیاهی است) و سوزاندن شهابسنگها شده و زمین را از شر آنها محفوظ می نماید. همچنین بخار آب را از قاره ها به خشکیها انتقال داده و موجب بارش و مانع تبدیل شدن جهان به کویر خشک و لم یزرع شده و درجه حرارت را در حد اعتدال نگه می دارد، که اگر در تعادلات و نظم فوق اختلال ایجاد شود، جهان متلاشی خواهد شد.

راستی آفریننده و ایجاد کننده این همه نظم و تعادل کیست؟! در اندرون خود صدایی می شنوی بدان گوش فرا ده، می گوید چه کسی؟
به یقین می گوید: الله ...

۳- آیات و نشانه های خداوند در آب :

آب قریب سه چهارم کره ی زمین را فرا گرفته است و مایه ی حیات تمام موجودات زنده است و انسان بدون آب بیش از چند صباحی زنده نخواهد بود . راستی می دانید که :

۱- آب از ترکیب دو عنصر ئیدروژن و اکسیژن بوجود آمده است و این در حالی است که ئیدروژن به تنهایی خود گازی است سخت سوزان و اکسیژن هم ماده ای است که به عمل سوختن کمک می کند و در صورت ایجاد کمترین اختلال در اتم هریک از این دو عنصر ، خاصیت ترکیبی خود را از دست داده و همه ی آنها به دو عنصر ئیدروژن و اکسیژن تجزیه خواهند شد و ایجاد ترکیب میان این دو عنصر و ساختن قطره ای آب در توان هیچ کس نخواهد بود ، چون به محض جدایی آنها ، درصد اکسیژن بیش از حد معمول افزایش خواهد یافت وبا وجود این همه گازسوزان ئیدروژن وماده ی کمکی ، کره ی زمین به صورت کره ای آتشین در خواهد آمد .^(۴)

^۴- اذا البحار سجرت(تکویر/۶) درهنگام وقوع قیامت دریاها آتش می شوند .

۲- آبی که مایه ی حیات و ادامه ی زندگی است ، در هستی به مقدار معین وجود دارد و به مقدار معین فرو می بارد . در صورتی که اندکی بیش از حد معین فرو ببارد موجبات مرگ و نابودی انسانها و سایر موجودات زنده را فراهم خواهد ساخت و اگر کمتر از حد معین باشد موجب قحطی و خشک سالی خواهد شد. راستی اگر همیشه ببارد و یا اصلاً نبارد چه خواهد شد ؟

۳- آب اکثر رودخانه ها شیرین و آب دریاها شور است . اگر برعکس می بود یعنی آب رودخانه ها شور می بود ، در آن صورت نه انسانها و حیوانات و پرندگان می توانستند از آن استفاده نمایند و نه می توان در کار کشاورزی از آن بهره جست. و اگر آب دریاها هم شیرین می بود ، در اثر مرگ جانداران دریایی که هر روز میلیونها از آنها می میرند ، تعفن جهان را فرا می گرفت و زندگی را غیر ممکن می ساخت.(هر چیز که بگنجد نمکش می زنند ...)

۴- اگر آب به صورت جامد می بود ، انسان در هنگام آشامیدن و نظافت و آبیاری و سایر امور با چه مشکلات بزرگی مواجه می شد ؟

راستی ، مقدار معین آب ، شور و شیرین بودن و مایع و در دسترس بودن آب از چه چیزی حکایت دارد؟!

۴- آیات و نشانه های خداوند در آسمان :

آسمان در میان تمام ملل و اقوام جهان با عظمت خاصی یاد می شود و در جهان قومی نخواهی یافت که درباره ی آسمان مطالعات و یا تصورات درست یا نادرستی نداشته باشند ، در قرن حاضر هم علم به وسیله ی تلسکوپهای قوی و سایر اسباب نجومی پیشرفته توانسته است از پاره ای از اسرار آسمان پرده بردارد و گوشه هایی از شگفتیهای آن و نشانه های قدرت پروردگار را به جهانیان بنمایاند از جمله ی آن شگفتیها:

الف- کهکشان : کیهانشناسان به منظور مطالعه ی آسانتر عالم پهناور هستی ، آن را به چندین کهکشان تقسیم کرده اند که هر کهکشان جایگاه ستارگان بیشمار است . درباره وسعت کهکشان کافی است بدانیم که فقط قطر^(۵) کهکشان در حدود

^۵ - قطر ، خطی است که از مرکز دایره می گذرد و آن را نصف می نماید.

صد هزار سال نوری^(۲) می باشد یعنی فقط قطر کهکشان را نور با آن سرعت سرسام آورش در مدت صد هزار سال طی می کند. آیا می دانید :

۱- اگر انسان بتواند یک سفینه ی فضایی بسازد که با سرعت نور حرکت کند بایستی صد هزار سال هم عمر نماید تا بتواند با آن سرعت سرسام آور ، فقط قطر یک کهکشان را طی کند ، با این وجود هم بایستی ، به محض تولد در سفینه قرار گیرد ، و فرصت پیاده شدن و مطالعه کردن کهکشان را هم ندارد ..

۲- در عالم هستی صدها میلیون کهکشان وجود دارد که نور بعضی از ستارگان موجود در این کهکشانها هزاران سال است همچنان راه می پیمایند اما به علت بُعد مسافت هنوز نور آنها به زمین نرسیده است . هم چنین ستارگان بیشماری در این کهکشانها هزاران سال است که متلاشی شده اند ولیکن هنوز زمینیان آنها را نورانی می بینند و نور آنها در راه است و هزاران

۲- نور در هر ثانیه ۳۰۰۰۰۰ کیلومتر را طی می کند و سال نوری مسافتی است که نور در مدت صد هزار سال طی می کند .

سال طول خواهد کشید تا آخرین پرتوافشانی آنها این مسافت طولانی را طی نماید و به آخر رسد.

قطعاً فقط آفریننده ی کهکشانها می داند که چندین میلیون ستاره و کراتی همچون زمین و با چگونه موجودات زنده ای در عالم پهناور هستی وجود دارند . و براستی زمین ما در مقابل عالم هستی جز از قطره ای از دریا نخواهد بود .

ب - **خورشید** : آفریدگار هستی ، خورشید را در راستای ادای وظیفه اش در ارتباط با تأمین گرما ، حرارت ، حیات و زندگی موجودات زنده و تحقق هدفش بدون هیچگونه ستون مرئی به حرکت در آورده است ، بطوری که هرگز با سیارات و ستارگان دیگر تصادم و برخورد نمی نماید و در فاصله ی معین و کاملاً مناسب با زمین قرار داده شده است . درحالی که میلیونها ستاره همچون خورشید در فضای بیکران هستی شناورند ، اما به علت بُعد مسافت هرگز گرما و حرارت آنها به زمین نمی رسد و تنها نور تعداد محدودی از آنها با چشم غیر مسلح برای زمینیان قابل رؤیت است .

ستاره ی شعرای یمانی حجمش ۲۰ برابر و نورش ۵۰ برابر خورشید است و ستارهٔ سهیل بیش از هزار برابر بزرگتر از خورشید است در حالی که تنها نور آنها دیده می شود. با وجود این همه بعد مسافت در میان کواکب، هرستاره در فاصله ی معین و مشخص با ستارگان دیگر قرار گرفته است و با سایر کواکب در ادای وظیفه، سیر و حرکتش هماهنگ است. و اما آیات و نشانه هایی که با مطالعه ی خورشید ما را بسوی آفریننده ی دانا و حکیم راهنمایی می کنند عبارتند از:

۱- اگر برخلاف وضع موجود خورشید به زمین نزدیکتر می بود^(۶) گرما و حرارت زیاد خورشید همه چیز را به خاکستر تبدیل می نمود و اگر دورتر می بود همه منجمد می شدند.

۲- اگر بر خلاف وضع موجود طول شب و روز پنج برابر می شد در اثر شدت سرما و برودت شبها همه ی نباتات و موجودات زنده منجمد می شدند و در روزها هم در اثر شدت گرما همه چیز تبدیل به خاکستر می شد.

^۶- فاصله ی خورشید تا زمین ۱۵۰ میلیون کیلومتر است.

۳- اگر حرارت خورشید نصف می شد ، همگان منجمد می شدند و اگر دو برابر افزایش می یافت همگان خاکستر می شدند .

۴- اگر از میزان اشعه های مؤثر در عمل فتوسنتز(غذا سازی گیاهان) کاسته شود گیاهان قادر به غذاسازی نبوده و آفات شیوع می یافتند ، و اگر بر شدت آنها افزوده شود ، مضر واقع شده و حیات موجودات زنده در معرض تهدید جدی قرار خواهد گرفت ...

همانا در گردش منظم ، پرتوافشانی مستمر ، بعد مسافت و اشعه های حیات بخش خورشید آیات بسیار روشن و آشکاری نهفته است که هر بیننده ای را به وجد می آورد .

فصل سوم :

- آیات و نشانه های خداوند در
عالم موجودات زنده
- آیات و نشانه های خداوند در
عالم نباتات
- آیات و نشانه های خداوند در
عالم باکتریها
- آیات و نشانه های خداوند در
عالم حشرات
- آیات و نشانه های خداوند در
عالم پرندگان
- آیات و نشانه های خداوند در
عالم حیوانات
- آیات و نشانه های خداوند در
عالم انسانها

آیات و نشانه های خداوند در عالم موجودات زنده

موجودات زنده به انواع مختلفی تقسیم می شوند که ما از میان انواع موجودات زنده در عالم نباتات ، حشرات ، پرنندگان و انسان ، به اختصار یک و دو مورد به عنوان دلیل بر قدرت آفریننده هستی مثال می آوریم .

آیات و نشانه های خداوند در عالم نباتات

هنگامی که دانه ای به عنوان بذر در زیر خاک قرار می گیرد اگر شرایط رشد (دما و حرارت ، رطوبت ، خاک مناسب ، آب و هوا) موجود باشد دانه رشد را با دو جوانه در دو جهت متضاد شروع می نماید ، یکی از جوانه ها که ساقه و شاخه و برگ و گل را به وجود می آورد به طرف بالا و جوانه ی دیگر که ریشه را بوجود می آورد به طرف پایین رشد می نماید، و هرگز امکان ندارد که جوانه ی ریشه برخلاف معمول

به طرف بالا و یا جوانه ی ساقه برخلاف معمول به طرف پایین حرکت نماید ، چون در هر دو حال گیاه سبز نخواهد شد .
از میان شگفتیهای فراوان عالم نباتات فقط به دو مورد از آیات و نشانه های قدرت آفریننده ی دانا و حکیم اشاره می نمائیم :

۱- گیاهان گوشتخوار : در میان نباتات گیاهانی وجود دارند که تعداد آنها حدود ۴۵۰ گونه می باشد ، چون این گیاهان نمی توانند مانند سایر نباتات از راه ریشه آزت مورد نیاز خود را بدست بیاورند ، و یا در مکانهایی روئیده اند که خاک آن فاقد آزت است ، خالق مدبر آنها را با چگونگی تأمین نیاز خود از جانوران آشنا کرده است .

برگ این نوع گیاهان گوزه مانند یا همچون کیسه های آویخته و یا برگهای چسپناک و یا دولا می باشند که با وجود شهد موجود در برگها حشرات به سوی آنها جذب می شوند و با گرفتار ساختن حشرات توسط شیره ی اسیدی به هضم آنها می پردازند و آزت مورد نیاز خود را از طریق گوشت حشرات تأمین می نمایند .

نوعی از گیاهان گوشتخوار ، گیاه حشره خوار ونوس است که برگهای آن دولا است و وقتی که حشره ای بر روی برگهایش می نشیند برگ بسته و بتدریج حشره هضم می شود، حتی مشاهده شده است که برگهای گیاه ونوس حشره ی در حال پرواز را هم صید کرده است .

۲- بوته ی آدمک در منبر : هر گل از چهار بخش کاسبرگ، گلبرگ، پرچم (اندام نر گل) و مادگی (قسمت ماده ی گل) تشکیل شده است . پرچم و مادگی عوامل ایجاد دانه و میوه می باشند ، در داخل پرچم ، دانه های بسیار ریز گرده و در قسمت مادگی دانه های تخمک تولید می شوند که در اثر وزش باد یا بوسیله ی انسانها ، زنبورها و حشرات دانه های گرده به سوی دانه های تخمک رهسپار می شوند و در اثر تلقیح گرده و تخمک و رشد تدریجی آنها میوه بوجود می آید .

در بعضی از گیاهان پرچم و مادگی از هم فاصله دارند بنابراین عمل تلقیح و ترکیب خودبخود و با وزش باد انجام نمی شود بلکه این کار توسط دیگران انجام می شود ، مثلاً در درخت خرما توسط انسان و در گیاه آدمک در منبر که دو

خوشه‌ی نر و ماده دارد این کار توسط مگس کوچکی انجام می‌شود. این مگس از مدخل گل نر به اندرون آن داخل می‌شود، فوراً مدخل گل بسته و مگس زندانی می‌شود، مگس برای بیرون آمدن خود تلاش می‌کند و در اثر تلاش، بدن مگس آغشته به گرده‌های نر شده و مدخل گل برای انجام و اتمام مأموریت مگس باز می‌شود، هنگامی مگس به درون گل ماده می‌رود در آنجا هم در اثر بسته شدن مدخل گل، مگس زندانی می‌شود و در اثر تلاشهای مگس گرده‌های آغشته به بدنش فرو می‌ریزند و با دانه‌های ماده تلقیح می‌شوند و بدینگونه عمل تلقیح برای ایجاد میوه صورت می‌پذیرد ...

همانا آنکه ریشه و ساقه را در دو جهت متضاد و لیکن بجا راهنمایی کرده و گیاهان گوشخوار را به طریق تأمین نیازهای خود آشنا کرده و زمینه‌ی رسیدن دانه‌های گرده به تخمک را فراهم ساخته است خالقی مقتدر و آفریننده‌ای بس حکیم است، و او کسی جز الله نیست

آیات و نشانه های خداوند در عالم باکتریها

باکتریها جزو موجودات تک سلولی و میکروسکوپی می باشند و با چشم عادی قابل رؤیت نیستند و تولید مثل آنها با سرعت عجیبی با تقسیم سلولی انجام می گیرد . در شرایط مناسب باکتری رشد و نمو کرده و از وسط به دو نیم تقسیم می شود و این دو قسمت به نوبه ی خود رشد و نمو کرده و پس از نیم ساعت دو باکتری مستقل دیگر را بوجود می آورند و آنها هم رشد و نمو کرده و هریک در نیم ساعت بعدی به دو باکتری تبدیل می شوند . معمولاً یک باکتری در محیط مناسب (مثلاً داخل شیر) پس از یک شبانه روز ، به میلیاردها باکتری تقسیم خواهد شد در حالی که حجم آنها یک سانتیمتر مکعب می باشد . اگر بر همین مبنا تقسیم ادامه یابد در مدت سه شبانه روز ، تمام کره ی زمین را می پوشانند و نه تنها جایی برای سکونت باقی نمی گذارند ، بلکه همه ی موجودات زنده را هم طعمه ی خود قرار خواهند داد ، اما خالق حکیم و مدبر جهان با ایجاد موانعی (همچون عدم غذای کافی و کُشنده بودن فضولات سمی خودشان) از چنین تولید مثلی جلوگیری کرده است . و لیکن اگر روزی این مانع برداشته شود دو الی ۳ شبانه

روز، فقط برای یک باکتری نه دهها و صدها باکتری ، کافی است که کلیه ی زمینیان را نابود کنند ... اما آفریننده ی دانا تولید مثل این موجودات نادیدنی و بس خطرناک را متعادل ساخته و آنها را به خدمتگزاری انسان و سایر موجودات زنده وا داشته است.

باکتریها فضولات و لاشه ی حیوانات مرده را در لابراتورهای طبیعی خود تجزیه کرده و به مواد حیاتی کربن ، ازت ، ئیدروژن و اکسیژن تبدیل می کنند ، در حالی که در صورت عدم وجود باکتریها در مدت زمان اندکی جهان را فضولات و کثافات و تعفن لاشه های مردگان فرا می گرفت ...
به راستی لحظه ای تفکر عمیق کافی است تا انسان خاضعانه به عجز و ناتوانی خود اقرار نماید و خاشعانه در مقابل مدبر کون و هستی سرتسلیم و تعظیم فرود آورد

آیات و نشانه های خداوند در عالم حشرات

از میان ۷۰۰۰۰۰ نوع حشره ی شناخته شده توسط دانشمندان ، فقط به اختصار دو نوع را معرفی می نمائیم :

۱- **موریانه** : موریانه موجودی است که در زیر زمین و در جای نمناک زندگی می کند و در برابر آفتاب به علت نازکی پوست زود هلاک می شود و موجودی نابیناست ، در حالی که خانه ی او از محکمترین خانه های روی زمین است و آن را با سیمانی می سازد که بمب های معمولی قادر به تخریب آن نمی باشند که گاهی ارتفاع این خانه ها به ۱۲ متر می رسد و بیشتر در افریقا و استرالیا زندگی می کنند ، معمولاً در هر شهر (لانه) حدود دو میلیون موریانه به صورت اجتماعی باهم زندگی می کنند و نظم و تمدنی که در شهر آنها حاکم است در هیچ موجود متمدنی دیده نمی شود ، از جمله :

۱- کارگران : موریانه های نابینایی هستند که کار ساختن بنای شهر و مرمت آن به عهده ی آنها است . این موریانه ها خاک طبقات زیرین زمین را با آب دهان خود ممزوج می کنند و با آن محکمترین سیمان جهان را می سازند و ساختمان شهر را با آن بالا می برند .

۲- مأموران تهویه : با توجه به اینکه موربانه ها نمی توانند در دمای کمتر از ۳۰ درجه ی سانتیگراد و رطوبت ۹۸ تا ۹۹ درصد زندگی کنند بنابراین عده ای از موربانه ها از طریق کشیدن کانالها و شیوه های بسیار پیشرفته ی مهندسی ، مسئول تنظیم درجه حرارت و رطوبت و ثابت نگه داشتن و جلوگیری از نوسانات آن می باشند ، زیرا اگر مقدار رطوبت به اندازه ی چند درصد پایین بیاید در مدت ۵ الی ۱۰ ساعت موربانه ها خواهند مرد . آنها همچنین برای تنفس دو میلیون موربانه ی داخل شهر بایستی روزانه ۱۲۰۰ لیتر هوای تازه وارد شهر و ۲۴۰ گالن گازکربنیک خارج نمایند .

۳- مأمورین رفت و روب شهری : این عده کیسه ای در زیر شکم دارند که زباله ها را در آن جای می دهند همین که پر شد آن در محیطی که مخصوص زباله دانی می ریزند .

۴- شیمیدانها : این عده یک رشته اعمال شیمیایی روی زباله ها انجام می دهند و آن را به غذای مطبوع و مفید تبدیل می نمایند .

۵- مهندسين عمران : مهندسين نقشه ی شهر راطوری طراحی کرده اند که همه ی خیابانهای شهر به مرکز شهر که کاخ سلطنتی در آنجا واقع است وصل می شوند و خیابانهای پر رفت و آمد را به صورت دو طرفه طراحی کرده اند ، یکی برای رفت و دیگری مختص برگشت است . همچنین در بین راه گاراژهایی برای استراحت کارگران ترتیب داده اند .

۶- مأموران تغذیه : شهر موریانه یگانه شهری است که غذا بطور مساوی میان همگان تقسیم می شود و هر موریانه ای که گرسنه باشد موریانه ی دیگر بلافاصله از غذایی که در معده دارد مقداری به او می دهد ، در نتیجه در جوار موریانه های سیر موریانه های گرسنه وجود ندارند و کشور آنها فقیر و ثروتمند ندارد .

مأمورین تغذیه می توانند با غذاهای خاصی که به ملکه می خوارانند نسل آینده را سرباز ، کارگر ، شاهزاده و یا حتی دارای بال و چشم نمایند .

۷- پرستاران : ملکه در فصل تخمگذاری در هر شبانه روز ۴۸۰۰۰ تخم می گذارد که کار نگه داری از تخم و نوزادان بر عهده ی این عده از موریانه ها می باشد .

۸- تشکیلات لشکری : این عده نگهبانان و مدافعان شهر در مقابل حملات احتمالی دشمن و بالاخص مورچه ها می باشند .

۹- پلیس : در شهر موریانه فرد تنبل ، بیکار و مریض نخواهی یافت ، چون مریض با پای خود به بخش گورستان می رود و در آنجا جان می سپارد و افراد تنبل هم توسط پلیس شهر دستگیر و اعدام می شوند ، و در واقع شهر موریانه یگانه شهری است که ولگرد ندارد .

راستی موریانه ها در کدام دانشکده ی افسری ، پرستاری ، مهندسی ، علوم پایه ، حقوق و پرستاری آموزشهای لازم را دیده اند؟ و یا آن کدام استاد است که آنها را این چنین در راستای منافعشان ارشاد و راهنمایی کرده است؟! به یقین کسی جز الله ، آفریننده ی هستی نیست .

۲- حشره ی کاکتوس خوار : چندین سال قبل کشاورزی تعدادی بوته ی خاردار کاکتوس به استرالیا برد و در کنار نردهای مزرعه ی خود کاشت ، عده ی دیگری هم به تقلید از او دورِ نرده های مزرعه ی خود ، بوته ی خاردار کاکتوس کاشتند ، اما بعد از مدتی بوته ی کاکتوس شروع به ازدیاد و توسعه ی شگفت انگیزی کرد ، دیری نگذشت که مساحتی برابر سطح انگلستان را فرا گرفت و مردم را از روستاها بیرون راند و اکثر زمینهای کشاورزی را مختل ساخت ، ساکنین محل آنچه در دسترس و توان داشتند بکار بردند اما نتوانستند رشد و توسعه ی سریع آن را متوقف یا کند نمایند ، کم کم استرالیا در خطر تسخیر و تصرف لشکر بی صدا و لجوج گیاه کاکتوس قرار گرفت . دانشمندان و متخصصان درصدد چاره جویی برآمدند و بدین منظور دور عالم را تجسس کردند تا عاقبت حشره ای را یافتند که منحصراً با ساق و برگ و تنه ی کاکتوس تغذیه می کرد و جز کاکتوس غذای دیگری نمی خورد و به آسانی هم زاد و ولد می کرد حشره را تکثیر کرده و به جان گیاه کاکتوس انداختند ، حشره بر کاکتوس غلبه کرد و هجوم کاکتوس برطرف شد . کم شدن کاکتوس سبب کم شدن غذای حشره

شده و باعث از بین رفتن آنها شد و فقط عده ی اندکی باقی ماندند که پیوسته رشد و توسعه ی کاکتوس را کنترل می نمودند

راستی اگر آفریننده ی مدبر و حکیم این حشره را نمی آفرید تکلیف سرزمین پهناور استرالیا جز تخلیه و نابودی چه بود ؟ و آیا این تعادل و توازن نشانه ای از آیات خالق مدبر و آفریننده ی دانا و مقتدر نمی باشد !؟

آیات و نشانه های خداوند در عالم پرندگان

باتوجه به انواع بیشمار پرندگان و دنیای شگفت انگیز آنها ، از عالم پرندگان دو نوع را برگزیده و گوشه هایی از نشانه ها و آیات آفریننده ی حکیم ، از عالم آنها را در برابر دیدگان قرار می دهیم .

۱- مرغابی : این پرنده معمولاً دربرکه ها ، لجنزارها ، کنار جویها و رودها و سواحل آبها زندگی می کند ، چون غذای او در

چنین مکان‌هایی یافت می‌شود از ویژگی‌هایی خاص و متناسب با محیط زندگی برخوردار می‌باشد، از جمله:

- مهارت در شنا: برای بدست آوردن غذا لازم است شناگر ماهری باشد، در غیر این صورت خیلی زود غرق می‌شود و نسلش منقرض خواهد گشت.

- پاهای پارو مانند: در بین انگستان پاهای مرغابی برخلاف پاهای سایر پرندگان پرده‌هایی کشیده شده است که به مانند پارو عمل می‌کند و هنگام حرکت آب را به وسیله‌ی پاهایش به آسانی عقب می‌زند و خود جلو می‌رود و شنا می‌کند.

- پرهای چرب: پرهای مرغابی توسط غده‌های چربی مداوم چرب می‌شوند، در نتیجه آب به خود نمی‌گیرند و خیس نمی‌شوند چون خیس شدن سبب سنگین شدن بدن و غرق شدن او می‌شود.

- منقار پهن و سوراخ: مرغابی با این منقار به آسانی لجن‌ها را جابجا کرده و غذای مطلوب را همراه با گل و لای بر می‌دارد،

گل و لای از سوراخ طرفین منقارش بیرون ریخته می شود و غذای مطلوب و بدون لجن را فرو می برد .
اعضای متناسب و نحوه ی زندگی و طریقه ی کسب رزق و روزی مرغابی ما را به وسعت علم و حکمت آفریننده ی مقتدرش راهنمایی می کند....

۲- خفاش : خفاش پرنده ای است با چشمان ضعیف که روزها در مقابل شدت نور آفتاب جرأت ابراز وجود و بیرون آمدن از غارها و مکانهای سرپوشیده و تاریک را ندارد .

اگر این پرنده روزها را به استراحت اختصاص دهد و شبها هم به شکار بپردازد به علت ضعف بینایی قادر به رؤیت خوراک و طعمه ی خود نخواهد بود ، لذا اقتضا می نماید که مشکل این پرنده به طریقی حل شود و الاّ بیش از چند صبحی دوام نخواهد آورد و نسلش منقرض خواهد شد .

از آنجائیکه خالق دانا و حکیم ، جهان را در کمال نظم و تعادل و توازن آفریده و همگان را در راستای منافع خود هدایت و راهنمایی کرده و هر آنچه که لازمه ی خلقتشان بوده به آنها

عطاء کرده است ، به خفاشها هم به منظور جبران ضعف بینایی ، دستگاه رادار عطا کرده است .

اگر چشم های خفاش سالم نباشد و یا بطور کلی برداشته شود. حرکت و پرواز او در تاریکی مطلق با کمال مهارت انجام خواهد گرفت . اما اگر گوشهای خفاش را بردارند نمی تواند بدون برخورد به مانع در تاریکی پرواز کند و این دستگاه با گوشهای او در ارتباط است .

خفاش در تاریکهای شب در حالی که امیدی به چشم های کم سویی ندارد در هر ثانیه ۳۰ الی ۶۰ مرتبه امواج صوتی که برای ما قابل شنیدن نیست از خود بیرون می فرستد و این امواج در فضا پراکنده می شوند و هرگاه به مانعی برخورد کنند منعکس شده و به سوی او بازگشت می کنند و وجود مانع را بر سر راه به او خبر می دهند و گوشهایش انعکاس امواج را ضبط می کنند و او از طریق انعکاس امواج ، نوع مانع (دیوار ، دشمن یا طعمه) را تشخیص می دهد و برای تشخیص فاصله تا طعمه یا مانع عیناً مانند رادار عمل می کند که از روی فاصله ی زمانی برای پخش امواج صوتی و وصول انعکاس ، مقدار مسافت خود را با آنها تشخیص می دهد .

دستگاه رادار خفاش به قدری دقیق است که در کمال وضوح انعکاس امواج صوتیش را که در فاصله ی چند سانتیمتری به پشه ی کوچکی برخورد می کند با کمال دقت تشخیص می دهد و از شدت و ضعف آن ، فاصله و جهت و همه چیز آن را پیدا می کند ، به طوری که بلافاصله می تواند حمله کند و آن را بگیرد .

عجیب تر آنکه حشره ی بید ، دستگاه گیرنده ای دارد که از فاصله ی بیش از ۳۰ متر امواج صوتی خفاش را ثبت می کند و به همین جهت ، هرگز طعمه ی او نمی شود .

راستی چه کسی این دستگاه مهم و شگفت انگیز را در اختیار این موجود ضعیف قرار داده که در طول حیات نیاز به تعمیر و تعویض اسباب ندارد و هنوز دانش پیرفته ی روز بطور کامل نتوانسته است به کنه آن پی ببرد

اگر پرهای پرندگان نابود شوند ، چه می شود ؟

اگر پرهای پرندگان از بین برود ، پرندگان قدرت پرواز را از دست می دهند و نمی تواند در برابر سرما و گرما مقاومت کنند و به زودی همگی تلف می شوند . آنگاه به تعداد حشرات ، که

بزرگترین دشمن آنها از بین رفته است ، افزوده می شود ، بطوری که همه ی مزارع و مراتع و درختان را نابود می کنند و همه ی چرندگان و گیاهخواران هم در اثر بی غذایی می میرند و پس از گیاهخواران ، گوشتخواران هم نابود می شوند و همچنین ازدیاد حشرات موجب ازدیاد میکروبها شده ، و حیوانات و انسانها را نابود می کنند .

اگر این نقص به ظاهر کوچک رخ دهد ، همه ی موجودات زنده در معرض خطر نابودی قرار خواهند گرفت . زیرا تمام موجودات این جهان ، آفریننده ی حسابگرِ بس دانا و توانایی دارند که جهان و موجودات و نظم حاکم بر آن را ، بر مبنای حساب و کتاب دقیق ، طراحی و به صحنه ی وجود آورده است .

آیات و نشانه های خداوند در عالم حیوانات

با توجه به تنوع گونه ها در عالم حیوانات ، برای اهل دقت و بصیرت اشاره ای مختصر کافی است.

شتر : شتر حیوانی است که در مناطق گرم و خشک زندگی می کند و طوری آفریده شده است که با نوع آب و هوا ، وضعیت جوی ، پوشش گیاهی و محیط کویری کاملاً هماهنگ و سازگار است . و از پس همه ی مشکلات چنین محیطی بر آمده است ، از جمله :

- مشکل کم آبی : معمولاً بیابانها و کویرها ، خشک ترین و کم آب ترین مناطق جهان می باشند که زیستگاه اصلی شتر است و با وجود خشک بودن و کم آب بودن این مناطق ، شتر مطمئن ترین وسیله ی مسافرت در این نواحی است ، چون در بدنش میلیاردها سلول وجود دارند که در هنگامی که شتر آب می نوشد این سلولها چندین برابر انبساط می یابند و در خود آب ذخیره می کنند . همچنین سلولهایی در بدن شتر وجود

دارند که می توانند از علفهای خشکی که شتر می خورد آب تهیه کنند ، بنابر این شتر با در اختیار داشتن این ذخیره ی آب ، قادر است در گرمای شدید و سوزان کویر چندین روز بدون آب راهپیمایی کند .

- مشکل کمبود غذا : شتر هنگامی که در بیابانهای خشک برای مدت طولانی راهپیمایی می کند و غذا و علفی در آنها یافت نمی شود ، از چربی و غذای ذخیره شده در کوهان خود که همچون توشه ی راه بر پشت دارد ، استفاده می کند .

- مشکل مسافرت در طوفان : در هنگام طوفان شدید شن در بیابانها ، همه ی موجودات زنده از حرکت و ادامه ی سفر باز می مانند ، اما شتر بر خلاف سایر موجودات زنده ، بجای یک پلک دو چشم دارد که یکی از این دو پلک مخصوص روزهای طوفانی است که شتر در مواقع طوفان با بستن آن از ورود شن و خار و خاشاک به چشم خود جلوگیری می کند و به راحتی به مسیر خود ادامه می دهد .

- مشکل راه یابی : شتر با وجود ناپدید شدن راه در اثر طوفان شن ، مسیر را تشخیص می دهد و گم نمی شود و می تواند به حرکت به سوی مقصد ادامه دهد .

- مشکل فرو رفتن در شن : پاهای شتر برخلاف پاهای اسب و استر که در شن فرو می روند ، انتهای پایش حالت خف دارند و سبب می شود به آسانی روی شن ها حرکت کند بدون اینکه در شن ها فرو روند .

- مشکل پوشش گیاهی خاردار : پوشش گیاهی مناطق کویری به علت کم آبی شدید ، خاردار می باشند و حیوانات نمی توانند از آنها استفاده ی غذایی کنند ، اما در لبهای شتر شکاف و ترکهایی وجود دارد که حداقل برخورد و تماس را با خار پیدا می کنند و در نتیجه شتر به آسانی می تواند از آنها استفاده ی غذایی کند ...

راستی چه کسی شتر را این چنین سازگار با شرایط خاص محیط ناسازگار کویری آفریده است ؟ آیا لازم نیست در این باره بیندیشیم .^(۱)

^۱ - افلا ینظرون الی الابل کیف خلقت . غاشیه / ۱۷ آیا به شتران نمی نگرند که چگونه آفریده شده اند ؟!

آیات و نشانه های خداوند در عالم انسانها

انسان این موجود نا شناخته و اسرار آمیز از ترکیب نصف سلول جنسی پدر و نصف سلول جنسی مادر بوجود می آید و این سلول به مرور زمان رشد کرده و دستگاههای اسرار آمیز و شگفت آوری را طراحی و اختراع می نماید که جای بسی تأمل و تفکر است.

راز حیات : سلول که با چشم عادی دیده نمی شود از سه قسمت اصلی هسته و سیتوپلاسم و غشاء تشکیل شده است . سر حیات در درون هسته نهفته و ناشناخته و به صورت اسرار غیرقابل دسترسی باقیمانده است .

سلول تخم : هنگامی که سلول تخم (نصف سلول جنسی پدر و نصف سلول جنسی مادر) در رحم تشکیل شد ، با استفاده از ذخیره ی غذایی خود تقسیمات سلولی را شروع می کند و برای ادامه ی حیات خود جفت و بند ناف را بوجود می آورد تا از طریق آنها از مادر غذا و هوا دریافت نماید و به مرور زمان رشد

کرده و به تدریج دستگاههای اسرار آمیز عصبی ، نخاع ، مغز ، عضلات ، قلب ، گوارش ، کبد ، ششها ، اپیدرم پوست ، استخوانها ، چشم و گوش .. را با همان یگانه سلول تخم ، می سازد که انسان با این همه علم و دانش و تکنولوژی ، هنوز نتوانسته است اسرار این دستگاهها را کشف نماید .

راستی این سلول تخم ، این همه دانش و تخصص را در کدام آکادمی فرا گرفت . و چگونه می تواند با متمرکز کردن تعدادی سلول در قسمتی از بدن دستگاهی بسازد که کارش دیدن (چشم) و یا شنیدن (گوش) و یا تنفس ، تصفیه ی خون ، گوارش غذا ، و ... باشد و از خویشتن نمی پرسید راستی این سلول این همه دستگاههای مختلف را چرا و به چه منظور در این جسم تعبیه نموده و از کجا می دانست که باید این انسان چنین دستگاههایی داشته باشد چون بعد از تولد در روی کره ی زمین بدانها نیاز اساسی دارد ؟ ! در اینجا هم فقط به دو مورد آن هم به اختصار اشاره می نمائیم ، تا خود سایر آیات و نشانه های عظمت پروردگار را با تفکر و تدبیر کشف کرده و با دیده ی بصیرت به مشاهده ی آنها بپردازیم ...

استخوان بندی انسان : در دروران جنینی تعدادی از سلولهای متخصص! بر اساس اسلوب هندسی و ریاضی بیش از ۲۰۰ نوع استخوان را در اشکال و استانداردهای بسیار ظریف و دقیق طراحی کرده و بدون هر گونه مقیاس و قالبی به ساختن آنها می پردازند. و در بین مهره ها غضروف^(۷) تعبیه کرده تا از سایده شدن استخوانها بر روی هم جلوگیری کرده و خم و راست شدن بدن را آسان نماید و در مفصلها^(۸) استخوانها را بوسیله ی نوارهای سفت و محکم رباط همچون پیچ و مهره به یکدیگر وصل کرده است و با نوارهای زردپی ماهیچه ها را به استخوانها وصل کرده و مانع کندن شدن آنها شده است.

آیا می دانید هر یک از استخوانهای بدن ما قالب خاص به خود را دارد؟ اگر قالب ران در جای بند انگشتان قرار می گرفت و قالب انگشتان به جای استخوان ران قرار می گرفت، چه می شد؟! و....!؟

^۷- ماده ای است نرمتر از استخوان که در بین استخوانها قرار گرفته است.

^۸- مفصل جایی است که دو استخوان به هم می رسند.

مراحل هضم و جذب غذا : بیندیشم وبه سئوالات زیرپاسخ

دهیم:

- اگر دندان نمی داشتیم چگونه غذا را خرد و آسیاب می کردیم؟! یا اگر جای دندانها برخلاف معمول می بود، چکار می کردیم؟! - اگر لبها نبودند ما چگونه غذا را در دهان نگه می داشتیم؟!

- اگر غده های بزاقی ، بزاق ترشح نمی کردند چگونه غذاها را فرو می بردیم؟!

- اگر هنگامی که غذا به چهار راه حلق می رسید به جای اینکه به لوله مری و سپس معده برود به لوله ی نای و سپس به ششها می رفت چه می شد؟! و اگر اندام اپیگلوت تعبیه نشده بود تا در هنگام غذا خوردن راه نای را ببندد چه می شد؟! و یا در هنگام تنفس راه مری را نمی بست و هوا به جای اینکه به ششها برود به معده می رفت چه می شد؟!

- اگر معده ، شیریه ی معده ترشح نمی کرد غذا چگونه آماده ی هضم و جذب می شد؟!

- اگر شیریه ی معده همراه با مواد گوشتی ، خود معده را هم هضم می کرد ، راه حل و چاره چه بود؟!

- اگر کبد مواد سمی غذا را نمی گرفت و از راه کلیه ها دفع نمی کرد ، و مواد غذایی گوارش یافته همراه با سم به قسمت‌های مختلف بدن فرستاده می شد ، چه می شد !؟
- اگر غذای گوارش نیافته به بیرون رانده نمی شد چه می شد !؟ و..... !؟

پاک و منزه ای است آفریننده ای که بر تن آدمی بهترین و زبندترین خلعت آفرینش را بخشید ...^(۸)

^۱ - فتبارک الله احسن الخالقین . مؤمنون / ۱۴ والا مقام و مبارک یزدان است که بهترین اندازه گیرندگان و سازندگان است . « ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت » ملک / ۳ اصلاً در آفرینش و آفریده های خداوند مهربان خلل و تضاد و ناهماهنگی نمی بینی .

فصل چهارم :

- دلیل فطرت
- پاسخ به آخرین سؤال
- موانع ایمان به آفرینندگی خداوند
- واپسین سخن

دلیل فطرت

فطرت ، احساس طبیعی و پنهانی است که از اعماق درون آدمی بر می خیزد و آدمی بدون یادگیری و تلقین در خویشتن می یابد . مانند ، حس زیبایی دوستی ، حقیقت جویی ، گرایش به نیکی، و خدا جویی و خدا پرستی .

دلیل فطرت ، بیان می دارد که ایمان به وجود خداوند در نهاد بشر فطری است . بدین معنا ، که هرگاه انسان خواه عالم یا جاهل ، با خویشتن خلوت کند و نفس خویشتن را از آثار موروثی و مذهبی و عقیدتی و عوامل محیطی تخلیه نماید و سپس در خصوص جهان هستی و وجود خود بیندیشد ، نفس خویشتن را در مقابل پروردگار متعال ساجد و خاشع خواهد یافت و این دلیلی بر خداشناسی فطری انسان است .

ممکن است این سؤال به ذهن خطور نماید که چرا آدمیان با وجود احساس درونی و فطری بر وجود خالق یکتا ، باز طریق الحاد را بر می گزینند؟!

در بخش پایانی این رساله علل الحاد انسانها را بررسی می‌نمائیم ، اما در ارتباط با فطرت خدا جوی انسان باید گفت : انسانی معجونی است از غرایز متضاد (خواسته‌هایی همچون نوع دوستی ، آزادی خواهی ، احساس محبت و عشق والدین به فرزندان و... و کشش‌های نفسانی همچون میل به غذا ، ازدواج و سایر غرایز مشترک با حیوانات) ترکیب یافته است . این دو دسته خواسته‌ها و کشش‌ها پیوسته در جنگ و ستیزند . سرانجام یکی از آن دو (خواسته‌های معنوی یا نفسانی) بر دیگری چیره شده و آثار خود را بر صفحه‌ی زندگی انسان پیاده می‌نماید ، که در اکثر موارد پیروزی با غرایز مادی و سرشت حیوانی است و خواسته‌های معنوی مقهور غرایز حیوانی می‌گردد ، و همین امر سبب می‌شود که غرایز معنوی مورد تردید و حتی فراموشی و انکار قرار گیرند . مثلاً گاه در اثر حوادث ناگوار احساس شدید گرسنگی و میل به غذا از بین می‌رود ، بنا براین مانعی ندارد که فطرت خدا جوی آدمی هم مقهور سایر غرایز واقع شده و به حسب ظاهر مورد تردید و حتی انکار واقع شده و آثار ضد آن از انسان صادر گردد . در این هنگام ، فطرت در پشت حجابهای هوی و هوس قرار

می گیرد که در دو حال ، خویشتن را می نمایاند . یکی در صورت تعمق و تفکر در اندرون خود و جهان هستی . دوم ، در هنگام وقوع حادثه ای هولناک بطوری که از تمام نیروهای مادی قطع امید شود ^(۹) .

رینان فیلسوف مشهور فرانسوی در کتاب تاریخ ادیان می گوید : « هر آنچه ما دوست می داریم روزی نابود می شود و ممکن است آزدای بهره مندی از نعمت عقل و علم و تکنولوژی ، روزی از ما سلب شود ، ولیکن محال است دینداری از روی کره ی زمین محو شود (چون از پشتوانه ی فطرت برخوردار است) » .

^۱ عدنان مندرس نخست وزیر لائیک ترکیه در هنگامی که بالگردش دچار سانحه ی هوایی شد و سقوط کرد . در این لحظه که از تمام نیروهای مادی قطع امید کرد ، فطرتش از زیر خوارها غبار جاهلیت خود را نمایاند و با تضرع و زاری به سوی آفریننده ی خود رجوع کرد وبا او پیمان بست اگر خداوند او را از مرگ حتمی نجات دهد بنده ی خدمتگزار او شود ... بالگرد به زمین خورد و همه ی چهارده سرنشین جز عدنان ، در میان شعله های آتش خاکستر شدند و او به منظور اجرای عهد و پیمان دست به اصلاحات زد ، اما ارتش لائیک بر علیه او کودتا کرد ...

فیلسوف معروف هنری برگسون گوید : « اقوام و جوامع انسانی بیشماری بوده و هستند که از علم و فلسفه ، و فنون و تکنولوژی محروم بوده و هستند اما هیچ جامعه ای فاقد دین نبوده است .^(۱۰)

^۱ - دکتر عقاد گوید : در یک همایش علمی که با حضور بسیاری از دانشمندان و محققین در افریقا برگزار شد . پس از پایان نشست ، به ترغیب عده ای به دیدار اقوام وحشی رفتیم . چون به مرز انسانهای متمدن وحشی رسیدیم و از مرزنشینان متمدن خواستیم ما را به نزد آنان ببرند . مرزنشینان بر بلندی آتشی برافروختند و گفتند منتظر شوید تا رابط ما که در میان اقوام وحشی است بیاید و شما را به نزد آنان ببرد . با آمدن و دادن توضیحات لازم به او ، ما را به میان اقوام وحشی برد که به صورت لخت مادر زاد و عاری از هرگونه پوشش و تمدنی بودند با آنها نشستیم و به گفتگو پرداختیم و هریک در زمینه ی تخصص خود تحقیق می نمود . یکی از سئوالاتی که به ذهنم رسید از آنها بپرسم در مورد فطرت خدا جوی انسان بود و چون از آنها پرسیدم آفریننده ی آسمانها و زمین کیست ؟ . در پاسخ گفتند : (خدا) گفتم او خود در کجاست ؟ گفتند در آسمانهاست .

پاسخ به آخرین سؤال

بعد از این همه آیه و نشانه ، آخرین سئوالی که ممکن است در ذهن عده ای باقیمانده باشد ، این است که :

خوب ما با دلیل و برهان پذیرفتیم که آفریننده ی جهان هستی و انسانها و هر آنچه در آن است ، الله می باشد . حال آفریننده ی خداوند کیسیت ؟ یا هر پدیده ای پدید آورنده ای دارد. خداوند را چه کسی پدید آورده است ؟^(۱۱)

در ارتباط با قضیه ی ایمان به خدا ، انسانها به دو گروه تقسیم می شوند : یکم، کسانی که به وجود خداوند ایمان دارند. مانند پیروان ادیان آسمانی و آنانکه از فطرت سالم برخوردارند و

^۱ - پیامبر (ص) می فرماید : شیطان نزد کسی از شما می آید و مداوم می پرسد : فلان را چه کسی خلق کرده ، فلان از کجا آمده ... تا اینکه می گوید : چه کسی خدا را آفریده است . چون به اینجا رسید ، به خداوند پناه ببرید و از همراهی با شیطان بپرهیزد (که در همراهی با او خیری نیست و هدف شیطان ایجاد شک و تردید و گمراه ساختن شما است . چون خداوند خود آفریننده است نه آفریده شده) .

همچنین آزاد اندیشان و روشنفکران . دوم، کسانی که بوجود خداوند ایمان ندارند ، مانند؛ ماده پرستان .

اندیشمندان این دو قشر ، هر دو معتقدند ، قبل از بوجود آمدن همه ی موجودات بایستی به وجود شخصی یا چیزی اذعان داشته باشیم که این جهان هستی از او منشأ گرفته و وجود او واجب و لازم و حتمی است و او باید ازلی باشد و پذیرفتن او ، نیازی به دلیل و برهان ندارد . چون چاره ای جز ایمان به وجود واجب الوجود نیست .

مادیون واجب الوجود را ماده می پندارند و الهیون هم خداوندش می نامند . با توجه به توضیحاتی که دادیم ماده و انرژی و طبیعت نمی توانند ازلی و منشأ جهان هستی باشند ، پس واجب الوجود هم نیستند . تنها خداوند باقی می ماند و همچنانکه نیوتن می گوید چاره ای جز این نیست که به قدرتی غیر مادی معتقد شویم که در پس پرده ، ماده را رنگ آمیزی کرده است و به این صورت در آورده است و آن چیزی و کسی جز خداوند متعال نیست. قانون علیت هم منحصر به پدیده ها است ، خداوند هم پدیده و مخلوق نیست تا مشمول این قانون

و نیازمند علت باشد. و او کسی است که وجودش واجب است و جز این هم چاره ای نیست .

به منظور آسان شدن فهم این مهم (هر پدیده علتی دارد ...) این سؤال را مطرح می نمائیم که : ” رطوبت هر چیز از آب است ، رطوبت آب از چیست ؟ “ در پاسخ به این سؤال چاره ای جز این نداریم که بگوییم : در واقع رطوبت آب ، از آب است ، یعنی آب ذاتاً مرطوب است ، و رطوبت را از جایی دیگر نگرفته است . خداوند متعال هم ذاتاً واجب الوجود است و وجودش را از جایی و یا کس دیگری نگرفته است .

ممکن است پرسیده شود : چگونه خداوند وجود دارد و ما به آسانی نمی توانیم ذات او را درک کنیم ؟

صفات خداوند در دایره ی فهم انسان می گنجند چون انسان خود دارای صفاتی است گرچه صفات خداوند شبیه صفات انسان نیستند اما صفاتی چون علم و قدرت و سمع و بصر و برای انسان قابل ادراک هستند اما در واقع درک ذات خداوند خارج از دایره ی ادراک بشر است ، چون خداوند مطلق و نامحدود است و ذهن انسان محدود ، در نتیجه محدود قادر به ادراک نا محدود نیست . همچنانکه همگان در علم

ریاضی به عدد بی نهایت باور داریم ، ولی هیچیک نه آن را دیده ایم و نخواهیم دید و نه با حواس پنجگانه هم احساس خواهیم کرد . برهمن اساس درک ذات خداوند هم برای ذهن محدود بشری امکان پذیر نیست .

موانع ایمان به آفرینندگی خداوند

ممکن است این سؤال پیش بیاید که با وجود این همه آیات ، دلایل و نشانه ها دال بر وجود آفریننده ی هستی ، چرا عده ای راه الحاد را پیش می گیرند و منکر آفریننده ی هستی می شوند ؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت : اولاً این عده در مقایسه با جوامع انسانی انگشت شمارند و علت انکار آنها نه بر مبنای علم و آگاهی است بلکه به موجب موانع و حجابهایی است که میان آنها و شناخت آفریننده ی هستی واقع شده است و تا آن حجابها کنار نروند و موانع برداشته نشوند ، بازگشت آنها به سوی ایمان دشوار خواهد بود . از جمله ی آن حجابها و موانع :

۱- **جهل**: جهل به معنی نادانی و ندانستن است و آن بر دو نوع است :

الف : جهل ساده : آن است که شخص چیزی را نمی داند و اگر از دانش مبهم و اندکی هم بهره مند باشد ، به دانستن خود اعتقاد و اعتماد ندارد ، یعنی می داند که نمی داند . در این حالت فرد از دیگران تقلید می نماید و هویت واقعی خود را فراموش کرده و با عقل دیگران می اندیشد و عقل و ادراک خویشتن را بکار نمی گیرد و زمام امور خود را به دیگران می سپرد و از استعدادها و تواناییهای خود بهره نمی جوید و کارش فقط تقلید است . دیگران هرچه می گویند و هر چه می کنند ، او هم همان می گوید و همان می کند .

این گونه افراد ، چون از علم ناقص خود و یا عدم علم و آگاهی خویشتن ، آگاهی دارند ، هنگامی که علم واقعی و کامل به آنها نماینده شود بی درنگ می پذیرند و با پذیرش علم ، جهل را از دامان خود می زدایند و زمینه ی پذیرش ایمان را در خویشتن فراهم می سازند .

ب : جهل مرکب : آن است که شخص چیزی نمی داند ، اما چنان می پندارد که می داند . یعنی نمی داند که نمی داند .

رهانیدن چنین فردی از جهل بسی دشوار است ، چون ابتدا بایستی جهل مرکبش را ساده و سپس در جهت رفع جهلش اقدام نمود . باید دانست که جهل مرکب به معنی بی بهره بودن از هرگونه دانشی نیست بلکه دانش ناقص و اوهام و پندارهای خویشتن را علم کل می پندارد . مانند کسی که خویشتن را در دایره ی حواس محصور کرده است ، یعنی چنان اعتقاد دارد که هر آنچه برای حواس پنجگانه (بینایی ، شنوایی ، بویایی ، چشایی و لامسه) محسوس نباشد پذیرفتنی نیست و وجود چیزی خارج از دایره ی حواس پنجگانه کذب و دروغ محض است.

این عده تصورات و دیدگاه کودکانه دارند و عدم رؤیت خداوند را دال بر عدم وجود او می پندارند و از این حقیقت غافلند که چیزهای بسیاری همچون امواج رادیویی ، صوتی و تصویری ، اشعه های مختلف ، نیروی الکتریسته و جاذبه ، حیات ، حرکت الکترون و کرات و سیاره های بیشمار و دور دست در عالم هستی ... وجود دارند ، اما هیچ یک مستقیماً با حواس احساس نمی شوند .

جهل حالتی است فکری و عقلی که حق را نمی شناسد و حالتی است درونی و پدیده ای است انسانی که در هر زمان و مکانی که اسلام بر باورها و احساسات آنان و واقعیت زندگیشان حاکم نباشد ، دامنگیر نوع بشر شده و به مکان ، زمان ، محیط ، وضع اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی و یا فرهنگی معین و مشخصی اختصاص ندارد و باید دانست که هیچکدام از جاهلیتهای تاریخ از پیشرفتهای و مهارتهای بشری و تأمین مقداری خیر برای مردم خالی نبوده اند ، زیرا آبادانی مادی میدانی است مشترک ، و برای مؤمن و کافر و مصلح و مفسد یکسان است .

اشخاصی که جهل آنها مرکب است بر پندارهایی یقین کرده اند و نام علم و دانش بر آن نهاده اند ، که به آسانی از آن دست بردار نیستند ، بلکه بایستی با روش حکیمانه چنین اشخاصی را متوجه ساخت که علم و دانش دارای گستره ی بسیار بزرگی است و برای همگان میسر نیست که همه ی دانش ها را کسب نمایند . بنابراین هر کس و هر طایفه ای بخشی از دانش را دارا می باشد و علم و دانش فقط آن نیست که نزد ما می باشد ... و بایستی با تغذیه ی او با علم و دانش، و

تماس حکیمانه با او ، کلید خاص قلبش یافته شود و با ممانعت از هر گونه عکس العملی ، درب قلبش را گشود و جهل را خارج و قلب را برای پذیرش علم حقیقی مهیا کرد ، چون در برخورد اول نه تنها نسبت به پذیرش علم و کنار نهادن افکار و پندارهایش از خود تمایلی نشان نخواهد داد ، بلکه به شدت از اندیشه ی خود دفاع و سماجت و عکس العمل شدید بروز خواهد داد و تنها ورود حکیمانه به قلب است که قلب را از واکنش و عکس العمل شدید باز می دارد ...

۲- شهوت پرستی : منظور از شهوت پرستی ، ترجیح مال و دنیا و لذایذ جسمانی و شهوانی بر سایر امور است .

دوستی و محبوبیت مال و دنیا و ارضای نیازهای بدنی ، برای رسیدن به ضروریات و حاجات جسم نکوهیده نیست ، بلکه انسان را خداوند با چنین طبعی آفریده است ، اما آنچه مذموم و نکوهیده است اینست که خود مال و مقام و شهوات محبوب واقع شوند ، در آن حالت آنها به عنوان وسیله ی رسیدن به خواسته ها و مطلوبات مشروع مطرح نمی باشند ، بلکه خود

هدف واقع می شوند و بارز و برجسته شده و در اولویت قرار می گیرند .

این عده با مشغول شدن به ارضای شهوات و شکم پرستی و غرق شدن در شهوات حیوانی و تمتع از لذتها ، همه ی هم و غم آنها در شکم و شهوت خلاصه می شود و در آن حال از تفکر و تعقل و ادراک حقیقی باز می مانند و نمی توانند از نعمت عقل و فکر و اندیشه ی اعطایی بهره جویند . و هر آنچه که در راستای شهوات آنها نباشد ، نمی پذیرند و به ستیز با آن بر می خیزند و به انکارش می پردازند .

مشکل اینان در غرق شدن آنها در عالم حیوانیت است ، لذا همچون حیوان جز در خوردن و نوشیدن و ارضای شهوت نمی اندیشند . و در واقع به مراتب بیش از حیوان از عقل و ادراک محرومند . چون حیوان فاقد نیروی بصیرت و دانش است ، اما اینان با وجود نیروی بصیرت و دانش ، آن را بکار نمی گیرند و خویشان را از آن محروم ساخته اند ، انگار اصلاً فاقد بصیرت و دانش اند و حقایق را درک نمی کنند .^(۱۲)

^{۱۲} - « اولئک کالانعام بل هم اضل سبیلاً . آنان همچون حیوانند بلکه گمراهتر از حیوانند .

۳- تکبر : کبر از نظر لغوی به معنی خود بزرگ بینی است و در اصطلاح کسی را متکبر گویند که خود را در صفات کمال ، فوق دیگران بداند و خود را بزرگ و دیگران را حقیر بشمارد . سخت ترین و شدیدترین حجاب بین خالق و مخلوق ، تکبر است ، چون فرد متکبر گوشه‌های خود را از شنیدن صوت حق مسدود و چشمان را از رؤیت نور واقعی فرو بسته و از نفوذ شعاع نور هدایت به قلب خود جلوگیری می نماید . عامل تکبر چیزی جز طغیان نیست و فرد متکبر حق را می شناسد و می داند ، با این وجود حاضر نیست در برابر حق سر تسلیم فرود آورد و الاّ کسانی چون نمرود و فرعون که ادعایی خدایی داشتند به خوبی می دانستند که خود ، خدا نیستند .

متکبر ، متعصب و خودسر است و با وجود هزاران دلیل و برهان قانع نمی شود ، حتی اگر حقایق را با چشم رؤیت ، و با دست لمس ، و با سایر حواس ادراک نماید راه هدایت را در پیش نمی گیرد و به منظور ایجاد شک و شبهه و غلبه یافتن به مجادله بر می خیزد .

متکبر نه تعقل می کند و نه تفکر ، و نه می شنود و نه پند می گیرد . او دچار انجماد فکری و عقلی است و همه ی راههای منتهی به قلبش مسدودند و چنین کسی هرگز حق را نمی پذیرد ...

واپسین سخن

قرآن خردمندان را با سه ویژگی ستوده است ، و فهم و درک آیاتش را بدانها مختص گردانده است ، گویا آنانکه فاقد این سه ویژگی باشند ، هرگز آنان را نسزد که آیات خداوند را درک و فهم نمایند . و آن سه ویژگی عبارتند از :

۱- **علم واقعی:** « **إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ** » .^(۱۳) بی گمان در این (جهان و نظام شگفت آورش) پند و اندرز بزرگی است برای کسانی که آگاه و فهمیده باشند .

^۱ - نمل/۵۲

۲- تفکر: « إن فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون » .^(۱۴) بی گمان در این (جهان آفرینش) نشانه هایی است برای آنان که می اندیشند (و ساده و بی خیال از کنار عجایب و شگفتی های آن نمی گذرند) .

۳- تعقل : « إن فی ذلک لآیات لقوم یعقلون » .^(۲) بی گمان در این (عالم هستی) آیات و نشانه هایی است برای کسانی که عقل خویشتن را بکار می گیرند .

آیات و نشانه خداوند متعال موجود در جهان طبیعت و در اندرون آدمی ، برای کسانی که از دانش واقعی و نعمت تفکر و تعقل محروم باشند ، مؤثر واقع نمی شود . قطعاً آنانکه در گرداب لهو و لعب ، فساد و بزهکاری ، ظلم و ستمگری ، و کبر و جهل گرفتار شده اند ، قدرت دیدن و شنیدن و درک حقایق را ندارند . زیرا ظلمت گناه و معصیت ، ابزارهای شناخت آنها دچار اختلال کرده است و ابزار های شناخت آنها جز در موارد محدود ، بیشتر در جهت فساد و تخریب بکار گرفته می شوند .

^{۱۴}- رعد/۳ - ۲- رعد/۴

آنان کسانی اند که :

« يعلمون ظاهراً من الحياه الدنيا و هم عن الاخره هم غافلون »^(۱۵) آنان تنها ظاهر و نمادی از زندگی دنیا را می دانند و ایشان از آخرت کاملاً بی خبرند .
در نتیجه :

« فأعرض عن من تولّى عن ذكرنا و لم يرد إلاّ الحياه الدنيا . ذلك مبلغهم من العلم »^(۲) . از کسی روی بگردان که به قرآن پشت می کند و جز زندگی دنیوی نمی خواهد ،
منتهای دانش ایشان همین است .

^۱ - روم/۷

۲- نجم/۳۰ و ۲۹